

آیا با ظهور رسانه‌های جدید، تکیه بر «اخلاق» دشوارتر از قبل شده است؟

تغییر مفاهیم مرتبط با «حریم خصوصی» مسائل بسیاری را در ارتباط با «تشخیص امر اخلاقی» تغییر می‌دهد.



تغییر مفاهیم مرتبط با «حریم خصوصی» مسائل بسیاری را در ارتباط با «تشخیص امر اخلاقی» تغییر می‌دهد.

خبرگزاری مهر - گروه دین و اندیشه-فاطمه ترکاشوند: آیا رسانه‌های اجتماعی، اخلاق عمومی را تغییر داده‌اند؟ در صورت مثبت بودن پاسخ این تغییرات در میانی اخلاق، رخ داده یا تنها بر مصادیق آن اثر گذاشته است؟ تأثیر رسانه‌های اجتماعی بر اخلاق اساساً از کدام نقطه آغاز می‌شود و این ابزارها قدرت اثرگذاری شان بر اخلاق را مدیون کدام ویژگی‌هایشان هستند؟ این پرسش‌ها تنها برخی از چالش‌هایی هستند که گسترش زیرساخت‌های مربوط به ارتباطات نوین در جهان با تغییر در رفتارهای انسانی در جوامع مختلف و نسبتاً مستقل از مذهب و نژاد و فرهنگ، باعث ایجادشان شده‌اند. هرچند که یکپارچگی این تغییرات و استقلال آن‌ها از فاکتورهای بومی هر جامعه، خود نیاز به بررسی و تحقیق دارد اما مشاهدات روزمره اغلب نشان می‌دهد که نگرانی‌ها در همه جوامع نسبت به تغییرات اخلاقی متأثر از گسترش رسانه‌های اجتماعی بالاست. بنابراین اگر این مسئله را به عنوان پیش فرض کنار بگذاریم می‌توان ادعا کرد که بشریت در برابر یک چالش فراگیر و بدون تردید خطرناک قرار گرفته است. فلسفه اخلاق در دین اسلام و به طور کلی در جهان فکری ادیان الهی، وجوه متفاوتی از اخلاق سکولار دارد که طرف دو قرن اخیر توسط بسیاری از اندیشمندان مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. با این همه، به تصریح قرآن کریم، اخلاق مانند منطق ریاضی، بخشی از پیش فرض‌های فطری و عقلی است که به طور مشترک در همه انسان‌ها قرار داده شده و حتی بخشی از آن‌ها میان انسان با حیوانات و عموم حیوانات با طبیعت نیز مشترک است. از این رو، می‌توان ادعا کرد که قوانین قراردادی برای تنظیم روابط میان انسان با انسان یا انسان با طبیعت کافی نیستند و نه تنها پایه حقوقی بسیاری از آن‌ها بر منطق اخلاق قرار دارد بلکه هر فرد انسان در جایی که با خلأ قانونی مواجه می‌شود از میانی اخلاقی خود برای تشخیص «کار درست» کمک می‌گیرند. این «تشخیص» همان اندازه که تحت تأثیر آموزش، سنت‌ها، فرهنگ و ابعاد روانشناختی فرد و جامعه متبوع اوست به ناگزیر ریشه در خاک فطرت انسانی نیز دارد.

بیاپید برای اجتناب از درگیر شدن با اختلاف نظرات بحث برانگیز اندیشمندان، به سراغ ساده‌ترین موقعیت‌ها برویم. فحاشی و ناسزاگویی خصوصاً در شکل رکیک آن در اخلاق انسانی فارغ از دین و نژاد و فرهنگ و سبک زندگی محکوم است و بسیاری از ساختارهای حقوقی در جهان نیز آن را متضمن مجازات دانسته‌اند و کمتر افرادی را می‌توان یافت که حتی حین ارتکاب، به قبح آن ادعای عقلی نداشته باشند.

اما به نظر می‌رسد رواج دسترسی به شبکه‌های اجتماعی، فحاشی را آسان‌تر از همیشه کرده و از وجه عمومی قبیح دانستن آن نزد بخشی از مردم کاسته است. پژوهشی با عنوان «تقابل‌های اخلاقی در تعاملات کاربران ایرانی رسانه‌های اجتماعی» با مطالعه موردی بر چند رویداد «حمله کاربران ایرانی به صفحه لیونل مسی در فیس بوک، انتشار ویدئویی از لحظه مرگ مرتضی پاشایی، حمله کاربران ایرانی به صفحه دختر پورشه سوار کشته شده، انتشار عکس‌ای بدن یک بیمار در صفحه یک پزشک و حمله کاربران ایرانی به صفحه مهمان برنامه ماه عسل» در فاصله آذر ۱۳۹۲ تا تیر ۱۳۹۴ نشان داده است که تقابل‌های اخلاقی / غیراخلاقی دانستن نظرات و اقدامات، تا حد زیادی تحت تأثیر تحولات رسانه‌ای قرار گرفته‌اند. نویسندگان این مقاله بر این باورند که «تغییرات گسترده فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی پدیدآمده در نتیجه تحولات فناورانه منجر به شکل‌گیری زیست بوم رسانه‌های جدیدی در جامعه اطلاعاتی شبکه‌ای شده است. در این زیست بوم جدید پیرامون مسائل اخلاقی چالش‌ها و تقابل‌های بسیاری بین کاربران فضای مجازی شکل می‌گیرد در این تقابل‌ها برخی مفاهیم و تعاریف سنتی از جمله در حوزه مسائل اخلاقی به چالش کشیده می‌شوند. این تحولات مجموعه مباحثی را در حوزه علوم اجتماعی و ارتباطات به وجود آورده است».

درواقع رسانه‌های اجتماعی با کاهش فاصله حوزه عمومی و حوزه خصوصی از سترگی امر قبیح کاسته‌اند به طوری که اگر فرد تا پیش از این انقلاب ارتباطاتی تنها با دایره دوستان صمیمی خود آن چنان احساس صمیمیت می‌کرد که حرف‌های مگوی خویش را در میان بگذارد یا تنها حین خشم به فحاشی متمسک شود، حالا احساس می‌کند فردی در عمق آفریقا یا گوشه‌زاین یا شهری در آمریکا نیز می‌تواند همان اندازه نزدیک باشد. نویسندگان مقاله مذکور به نقل از پژوهشی دیگر این موضوع را چنین تشریح می‌کنند: «مارویک و بوید از ظهور «حریم خصوصی شبکه‌ای» در فیس بوک خبر می‌دهند این مدل از حریم خصوصی متفاوت با مفهوم سنتی حریم خصوصی است و نتیجه بازنگری شبکه‌ای آن است حریم خصوصی شبکه‌ای از دل تعاملات شبکه‌ای کاربران فیس بوک شکل گرفته است».

تغییر مفاهیم مرتبط با «حریم خصوصی» مسائل بسیاری را در ارتباط با «تشخیص امر اخلاقی» تغییر می دهد چنان که نه تنها دستگاه های تربیتی مبتنی بر دین اسلام و ادیان الهی بلکه بسیاری از دستگاه های تربیتی و آموزشی سکولار نیز معیار را بر همین حریم قرار داده اند و بدون آن، مرزهای زیادی در هم می ریزند و مشوه می شوند. با این حال در هم ریختن مرزها، هرچند تشخیص را سخت و معیارهای سنتی را ناکارآمد و مشتبه می کند اما به نظر می رسد مبانی اخلاقی همچنان محکم و قابل اتکا باقی می ماند.

این پژوهش، نشان می دهد که اصلی ترین محور چالش های کاربران در تقابل های اخلاقی دعوا بر سر اخلاقی و غیراخلاقی بودن رویداد جنجالی است و در میان شش رویداد مورد بررسی، تنها در مورد انتشار ویدئوی مرگ مرحوم پاشایی میان کاربران توافق وجود داشته است. در یکی از موارد جالب، این مقاله به کامنتی در میان کامنت های مهاجمان به صفحه مسی اشاره می کند که نویسنده آن مدعی است این فرهنگ نه تنها بد نیست بلکه از جنبه نمایش همدلی و یکپارچگی مردم ایران و رای قومیت های متنوع آن، بسیار ارزشمند نیز هست.

بنابراین اگر بیشتر دقت کنیم هرچند در چنین تقابلی، امر اخلاقی «انسجام ملی» متضمن امر غیراخلاقی «فحاشی» شمرده شده اما در اصل این امر اخلاقی می توانسته بدون آنکه واجد آن وجه قبیح باشد نیز اتفاق بیفتد.

این دست حملات که در آن سال ها هنوز به اندازه امروز، آلوده به انبوه صفحات فیک و ربات ها و سربازان تعلیم دیده دستگاه های اطلاعاتی نشده بود و خودمختارتر و واقعی تر از امروز به نظر می رسید، پس از آن در چند رویداد دیگر نظیر حمله به صفحه داور استرالیایی بازی ایران و عراق در جام ملت های آسیا سال ۱۳۹۳، صفحه اینستاگرام اوباما در توافق هسته ای با ۵+۱ در سال ۱۳۹۴ نیز اتفاق افتاد. اما به جز در برخی موارد پرهیجان نظیر مسابقات حساس والیبال و فوتبال، تا یک دهه بعد کم رنگ تر شد. این روش به مرور و با حضور پرتعداد صفحات فیک، ربات ها و سربازان سرویس های اطلاعاتی خصوصاً با هدف اثرگذاری بر کنش ها و رفتارهای سلبریتی ها و به تبع آن ها افکار عمومی از طریق اعمال فشار روانی، به عنوان یک روش جنگ روانی شناخته شد و از آن به عنوان ترول نام بردند. بنابراین شاید بتوان تبدیل شدن این اتفاق به یک روش جنگ روانی (بر پایه عبور از قواعد اخلاقی) را در کنار عمومیت یافتن نهی از این فعل غیراخلاقی توسط مردم و کم رنگ شدن آن، نشانه ای از اشتراک تلقی عمومی از «امر اخلاقی» علی رغم تغییر بسترهای زیست فناورانه دانست.

این بدان معنی است که مبانی اخلاق، حتی باوجود درهم ریختگی مصادیق و مشتبه شدن امور متأثر از تغییرات تکنولوژیک، نسبتاً ثابت و مستقل باقی می ماند و اساساً همین استقلال و ثبات مبانی اخلاقی است که جهت تغییرات زیست فناورانه را تعیین می کند.